عدالت باوري

 بهروز محمدي منفرد

اشاره:

اين نوشتار آثار و ره‏آوردهاي اعتقاد به عدالت را از ابعاد فردي و اجتماعي بررسي مي‏كند و در هر كدام از اين ابعاد نيز هم بعد معنوي و هم ظاهري مورد توجه قرار گرفته است. برخي از ره‏آوردهاي مورد بحث در اين مقوله عبارتند از: 1ـ اميد 2ـ شناخت امام 3ـ تبري از حكومت‏هاي جور 4ـ ايجاد انقلاب‏ها و نهضت‏ها 5ـ ايجاد عدالت نسبي در جامعه 6 ـ تابيدن الطاف الهي بر جامعه و...

باور به عدالت‏گستري منجي مصلحي كه عدل و قسط را در عرصه‏هاي اقتصادي[1]، قضايي[2] و... در سراسر كره خاكي مي‏گستراند از همان آغاز اسلام در اعماق وجودي مسلمانان نفوذ نموده است و رواياتي كه از پيامبر(ع) و امامان معصوم: در اين زمينه رسيده است در حد تواتر هستند.

در معناي عدل آمده است: ((‏عدل آن است كه هر چيزي را در جاي خود قرار مي‏دهد))[3]

شهيد مطهري در معناي آن مي‏گويد:

عدالت عبارت است از اين‏كه آن: استحقاق و حقي كه هر بشري به موجب خلقت خودش و به موجب كار و فعاليتش به دست آورده است به او داده شود و نقطه مقابل آن ظلم است كه آنچه را كه فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگيرند.[4]

بديهي است كه باور به چنين عدالتي فطري است.

شهيد مطهري مي‏گويد:

اعتقاد به عدالت فطري است؛ چنانچه كسي به مرحله كمال برسد و خوب تربيت شود، واقعاً عدالت‏خواه مي‏شود و عدالت جمع را بر منفعت خويش ترجيح مي‌دهد.[5]

گفتني است اعتقاد به فرارسيدن زماني كه عدالت در سراسر هستي گسترش مي‏يابد نيز يك امر فطري است كه مهم‌ترين دليل بر آن، عموميت و همگاني بودن آن است.

مسيحيان[6]، يهوديان[7]، زرتشتيان[8]، هندوان[9] و مسلمانان[10] و ديگر اديان بر اين باورند كه اين كره خاكي زماني پر از عدل و داد خواهد شد.

بي‏ترديد چنين باوري دست‏آوردهاي ارزشمند و ثمرات متعددي به ارمغان خواهد آورد كه از جمله آن‏ها ره‏آوردهاي فردي و جامعه‏شناختي است كه در ذيل به برخي از آن‏ها اشاره

مي‏شود:

ره‏آورد فردي

1ـ شناخت امام

امام صادق(ع) مي‏فرمايد:

اي يحيي كسي كه شب را به گونه‏اي بگذراند كه در آن، امام زمانش را نشناسد، بر مرگ جاهليت مرده است.[11]

با توجه به نقشي كه امامت در حفظ نظام و كمال بشر و سير او به سوي خدا و اجراي احكام خدا دارد و با توجه به اين‏كه اطاعت امر امام شرعاً و عقلاً واجب است، در وجوب معرفت امام نيز بر حسب حكم عقل و شرع، جاي هيچ‏گونه ترديد و شبهه‏اي نيست؛ زيرا هم مقدمه و اطاعت است كه واجب است و بدون وجوب هم اطاعت و نصب امام بيهوده است و هم بر حسب آنچه در بعض روايات استفاده مي‏شود، بالخصوص نيز واجب است.[12]

گفتني است شناخت امام زمان با دو امر حاصل مي‏شود:

1ـ شناخت امام به نام و نسب

2ـ شناخت صفات و ويژگي‏هاي او[13]

بنابراين حق شناخت امام آن است كه تمامي ابعاد زندگي و صفات و ويژگي‏هاي آن شخصيت رهايي‏بخش از جمله سيره عملي اجراي عدالت آن حضرت مورد كنكاش قرار گيرد و اين شناخت از اهم واجبات است[14]. با باور به عدالت‌گستري‏ و سيره حكومتي و عمل امام زمان (عج) در عصر ظهور، شخصيت حقيقي اين شجره طوبي، آن‏طور كه شايسته است، شناخته مي‌شود؛ چرا كه دادورزي حضرت حجت(عج) بخشي از زندگي ايشان بوده و همان‏گونه كه شناخت حسب و نسب، زمان ولادت و ويژگي‏هاي فردي آن حضرت ضروري به نظر مي‏رسد، شناخت ابعاد اجتماعي و سيره عملي آن بزرگوار در اداره حكومت و اجراي احكام و حدود الهي و برقراري عدل و داد ضروري‏تر است.

2ـ محبت و عشق به حضرت

((...قل لااسئلكم عليه اجرًا اِلا المودة في القربي...(([15]

((‏بگو جز مودت به نزديكان، از شما مردمان اجر و مزدي نمي‏خواهم)).

عشق و محبت صميمانه به اهل بيت: يك ضرورت است و ((‏دوستي ايشان بخشي از ايمان و شرط قبولي ايمان است)).[16]

اما اين عاطفه ارزشمند قابل پرورش بوده و همين موجب ازدياد صفاي دل به اهل‏بيت مي‏شود و مي‏توان آن را شدت بخشيد؛ به اين صورت كه باور داشته باشيم اين محبت‏ها يك‌جانبه نيست.[17] جذبه محبت و عشق امام، جاذب دل‏هاي پريشان مؤمنان و جمع‏كننده قلوب پراكنده شيعيان است.

عشق از معشوق اول سرزند تا به عاشق جلوه‏اي ديگر كند.[18]

آري، باور به دادورزي عاشقانه آن حضرت[19] و دل‌سوختگي و محبت ايشان به خلق در برقراري حركت عظيم عدالت‌گستري در جهان ما و نگرش حق‏طلبانه ايشان به اين كره خاكي، به گونه‏اي تكويني، محبت و عشق به حضرت را در دل‏هاي عاشقان شدت مي‏بخشد و باور به غلبه رحمت حضرت بر غضبشان در حكومت عدل و ستاندن حق مظلومان از ظالمان و گردن‌كشان سبب مي‏گردد مؤمنين نيز در قبال نگراني‏ها و باور به دغدغه‏هاي آن امام در ستم‏هاي روا داده شده به بشريت و مظلومين و تلاش ايشان براي رهايي آنان از دست ستمگران پيوند معنوي و عشق خود را با حضرت افزون و محكم‏تر كرده و سرود دلدادگي براي آن حضرت را سر ‏دهند كه اين عشق و محبت‏ها در قالب دعاها و زيارتنامه‌ها تبلور مي‏يابد.[20]

به ديگر سخن، اول محبوب است كه از محبت خويش ياد مي‏كند و اين ياد در قلب محب جلوه‏گر شده، او را به ياد محبوب مي‏اندازد و اين ماييم كه بايد به شراره عشق و جذبه محبت او لبيك گوييم.[21]

3ـ اميد به آينده

نور اميد همواره درون جان بشر را روشن داشته و او را در برابر حوادث ناگوار پايدار

مي‏سازد و از گردنه‏ها و فراز و نشيب‏هاي گوناگون گذرانده، گام به گام در مراحل تكامل و ترقي سير مي‏دهد. اگر اميد نبود، بشر هيچ قدمي را بر نمي‏داشت و هيچ رنجي را تحمل

نمي‏كرد.[22]

امام مهدي(عج) به عنوان ضامن اجراي وعده‏هاي الهي و تحقق عدالت‌گستري در جهان، پناهگاه مؤمنين است ((‏و اين اميد، بزرگ‌ترين هديه‏اي است كه جامعه بشري در اين دوران دريافت كرده است. گوستاو لوبون مي‏گويد:

بزرگ‌ترين خدمتگزاران عالم همان اشخاصي هستند كه توانسته‏اند بشر را اميدوار نگه دارند)).[23]

و باور به اين منجي و عدالت‏خواهي‏هاي او و افق روشن هستي[24]، و مساوات فراگير[25]، روح اميد را در كالبد خسته بشريت مي‏دمد؛ زيرا در هر حال، مؤمنين مي‏دانند كه در زماني معنا و مفهوم حقيقي زندگي تحقق پيدا كرده و شب سياه ظلم در جهان رخت بربسته و نور عدالت جاي‌گزين آن مي‏شود.

4ـ شكسته شدن هيبت مستكبران در برابر مؤمنان[26]

در طول سده‏هاي متمادي، مستكبران و فرعونيان با ابزارهاي مادي و در دست داشتن رسانه‏هاي تبليغاتي مسموم، به جاي حق نشسته و سعي در نماياندن برتري و هيبت و قدرت خود و ذليل و ويران كردن شخصيت مومنين داشته‏اند و تلاش نموده‏اند با ارزش‏ها و مفاخر مجازي و پوچ و توخالي خود، برتري اجتماعي و بزرگ‏منشي خود را بنمايانند.

اما با اعتقاد به تشكيل سلطنت و دادورزي مقتدرانه حضرت مهدي(عج) و شكسته شدن بت‏هاي مستكبران و گرفته شدن رياست‏ها و مال‏ها و ابزارهاي باطل و ناحق از مستكبران، پوچي و تهي بودن قدرت آنان نمايان مي‏شود و هيبت آنان شكسته مي‏شود؛ زيرا اين اقتدارها و عظمت‌هاي ظاهري تداومي نداشته و هميشگي نيستند.

5ـ آمادگي

انقلاب و جنبش با اين گستردگي براي طرح‏ها و برنامه‏هاي جهاني و تشكيل ساختارهاي ايجاد عدالت اقتصادي، فرهنگي، قضايي و... در جامعه عدل مهدوي نيازمند نيروهاي كارآمد و مهدي‌ياوراني است كه بتوانند در مسندهاي مختلف حكومت با عناوين متفاوت خدمت كنند.

امام باقر(ع) مي‏فرمايد:

هنگامي كه قائم ما قيام كند و مهدي ما ظهور كند، يك مرد از شيعيان ما پرجرأت‌تر از شير و كاري‏تر و نافذتر از نيزه خواهد بود[27]

كساني كه آرمان عدالت‌گستري در سراسر گيتي را در سر دارند بايستي با بينشي ژرف، نسبت به آن حركت بزرگ، خود را در عرصه‏هاي مختلف علمي، نظامي و سطوح عالي معنوي آماده سازند تا بتوانند مقدمات آن حكومت عظيم را تشكيل دهند و از همين عصر غيبت، خود را به عنوان پشتوانه‏اي در جامعه فاضله عصر مهدوي به آن حضرت بشناسانند. بنابراين آماده شدن در همة عصرها براي محقق شدن آرمان آن حضرت و تشكيل آن حكومت عدل‌محور ضروري مي‌نمايد.

6 ـ پايداري در برابر مصائب دشمنان

صبر گوياي شرايط گذشتن زمان لازم در پرورش حيات آدمي و تحقق خودسازي و رشد عقلاني در رسيدن به حق و عامل اصلي تعالي انسان و كمال آدميت است و در عرفان اسلامي، يكي از ويژگي‏هاي سير و سلوك و اصيل‏ترين حالت، بردباري و شكيبايي است و طي همه منازل و مراحل نيازمند صبر است.[28]

عدالت‌باوري مي‏آموزد كه فرجام جهان، جلوه‏اي از عدالت حق‏تعالي است و سرانجام، وضعيت نامطلوب مؤمنين پايان مي‏پذيرد و حقشان ستانده مي‏شود. از اين روي، اگرچه در دوران غيبت آزارها و اذيت‏ها مي‏بينند و دچار مصائب مي‏شوند، با اميد به برچيده شدن ريشه اهريمنان و سقوط صاحبان زر و زور و تزوير، با بينشي عميق، صبور و بردبار بوده و اقسام مصائب و مشقت‏ها را تحمل مي‏نمايند.

امام حسين(ع) فرمودند:

براي او غيبتي است كه گروهي در آن دوران از دين برگشته، برخي ديگر بر دين پايدار خواهند ماند و مورد اذيت و آزار قرار خواهند گرفت.[29]

7ـ عدالت‏باوري و تقواي الهي

از جمله مهم‏ترين شاخصه‏ها و مقدمات تقواي الهي، باور و ايمان به امور غيبي الهي است كه باور به حكومت عدلي كه توسط مهدي آخرالزمان تشكيل مي‏شود از مصاديق بارز آن است: ((ذلك الكتاب لاريب فيه هدي للمتقين الذين يؤمنون بالغيب...[30]))؛ ((‏ آن كتاب كه ترديدي در آن نيست، هدايتي براي متقين است، كساني كه ايمان به غيب دارند...)).

باور به دادورزي و عدالت‏گستري حضرت مهدي(عج) ـ كه منشأ وحياني داشته و از مسلمات دين اسلام است ـ يكي از مصاديق باورهاي غيبي به شمار آمده و مستلزم تقواي الهي است و بدون اين سرمايه معنوي، پارسايي و پرهيزكاري معنا ندارد و البته آزموني است كه تنها مؤمنين راستين و موحدان خداجو از عهده آن برآمده و مزيّن به لباس پرهيزكاري

مي‏شوند كه برترين لباس‏هاست.

8 ـ تهذيب نفس

اگرچه بريدن از خودخواهي و هواي نفس و پاكيزه شدن از خباثت و رذايل نفساني هميشه و در همه حال براي يك مؤمن وارسته سزاوار است، كسي كه باور دارد روزگاري در همين دنيا جلوه‏اي از عدالت كبرياي حضرت حق طلوع مي‏كند و نزد حضرت مهدي(عج) مؤمن واقعي از غير واقعي نمايان است[31] و هر چيزي در جاي خود قرار مي‏گيرد و انسان‏هاي پست و وارسته، هر كدام از هم متمايز و در جايگاه خود قرار مي‏گيرند، ضرورت آن را بيشتر درك كرده و با وارستگي و رهيدن از لغزش‏ها نفس خود را پاك مي‏گرداند تا سرافراز و سربلند، نزد حضرتش حاضر گردد. امام صادق(ع) فرمودند:

هرگاه قائم به پا خيزد، هيچ‌يك از بندگان خداوند به پيشگاهش برنخيزد، مگر اين‏كه او را مي‏شناسد كه آيا صالح است يا ناصالح و ناشايسته.[32]

9 ـ آرامش و امنيت روحي

ترديدي نيست كه نهايت سعي و تلاش انسان‏ها در رسيدن به آرامش و امنيت روحي است و هر روزنه‏اي را كه جهت تابيدن اين آرامش ببينند به سوي آن خيره مي‏شوند.

اميد به عصر طلايي و تشكيل حكومت عادلان و ستانده شدن داد مظلومان از ظالمان و برچيده شدن پايه‏هاي استبداد، نور آرامش را در دل مؤمنين روشن مي‏سازد و نگرش آنان را به آينده هستي، نگرشي آرامش‏بخش مي‏كند و با تصور امنيتي فراگير براي آيندة عالميان، درخشش و تابش آن‌را در روح و جان خود نيز مشاهده مي‌كنند.

10ـ دعا براي تعجيل فرج

شكي نيست كه دعا، تأثير بسزايي در سرنوشت انسان‏ها و تغيير قضاي الهي داشته و از اقسام شكر[33] بوده و موجب فزوني نعمت[34] مي‏گردد.

بنابراين در تسريع ظهور و فرج و تشكيل حكومت عدل نيز نقش بسزايي دارد.

امام زمان(عج) فرمود:

((‏بسيار دعا كنيد براي تعجيل فرج كه آن فرج شما است)).[35]

مؤمنين كه از ظلم و ستم‏هاي روا شده بر انسان‏ها آگاه بوده و بر اين باورند كه با برقراري عدالت مهدوي در كره خاكي، بساط اين همه ظلم و ستم‏ها برچيده شده و رفاه اجتماعي و اقتصاي حاكم خواهد شد همواره دست به دعا برداشته و از خداوند مي‏خواهند كه در فرج حضرتش تعجيل فرمايد تا انسان‏هاي دردكشيده هرچه زودتر به حقوق از دست‏رفته‏شان نايل آيند و عدل سراسر گيتي را فراگيرد. زيرا مي‏دانند دعايشان در اين امر مستجاب مي‏شود.[36]

11 ـ اعتقاد به حكومت عدل، وسيله تبري از حكومت‏هاي جور

كسي كه به شاخصه‏هاي كلي دادورزي در حكومت حضرت مهدي(عج) علم و باور داشته و مي‏داند كه اين حكومت اصلاح‏طلب و ظلم‏ستيز، تجلي و وعده عدالت حقيقي الهي است، آن عدالت مقتدرانه و غايت كمال انسان‏ها را مقياس و ميزان قرار داده و حكومت‏‏هاي عصر خود را با آن مي‌سنجد و اگر دولتي در دادورزي خود، به اين مقياس نزديك‌تر شود، به آن تمايل پيدا كرده و از آن حمايت مي‏كند و چنانچه سلطنتي بر خلاف مقياس حق‏مداري، ظلم‌محور بوده و ستمگري در آن ترجيح داده شده و شاخصه‏هاي عدالت مهدوي را نداشته باشد، مورد انزجار مؤمنين مي‏باشد. زيرا كسي كه به آن عصر طلايي و آن عدالت همگاني باور داشته و آن مدينه فاضله را تصور كرده است نمي‏تواند آن حكومت‏ها و سلطنت‏هاي جور را تحمل كند و به راستي از آن وضع نامطلوب گريزان بوده و از آن تبري مي‏جويد.

12ـ اصلاح فردي و انجام تكاليف

امام صادق(عج) مي‏فرمايد:

به خدا سوگند، به طور حتم، عدالت مهدي(عج) به درون خانه‏ها و اتاق‏هايشان نفوذ مي‏كند، هم‏چنان كه سرما و گرما در آن وارد مي‏شود[37]

در آن عصر، حدود جاري نشده جاري مي‏شود، قدرت‏ها و رياست‏هاي بناحق گرفته شده گرفته مي‏شوند، حق مظلومان ستانده مي‏شود، اموال و دارايي‏هاي به غارت رفته شده مصادره مي‏شود و به صاحبانشان بازگردانده مي‏شود.

در نزد حضرت، مؤمن واقعي و حقيقي از مؤمن ظاهري و رياكارانه متمايز مي‏شود و...

با باور به اين اوصاف، بديهي است كه مؤمنان خود را از خصيصه‏هاي ناپسند بر حذر داشته و نواهي الهي را ترك نموده و خود را به اعمال حسنه و انجام فرايض آراسته و در به‌دست آوردن مال و قدرت و رياست‏هاي باطل حرص و ولع ندارند تا اين‏كه مغضوب عدالت مهدوي قرار نگيرند. زيرا مي‌دانند ثمرة انجام محرمات و ترك فرايض، پايمال نمودن حقوق الهي و مردم و نفس خود است كه در محكمة عدل مهدوي نيازمند پاسخ‌گويي است. از اين‌رو معتقد و مؤمن به اين امر، خود را اصلاح و تكاليف را انجام مي‌دهد تا به‌گونه‏اي تكامل يابد و درخشش عدالت حضرت را بهتر درك كرده و مورد غضب عدالت حضرت قرار نگيرد.

13ـ اعتقاد به عدالت مهدوي، توجه داشتن به كرامت و شرافت انساني

يكي از مهم‌ترين حقوق انسان‏ها كرامت و شرافت آنان است[38] كه در طول قرون متمادي توسط گردن‌كشان و فرعونيان از آنان به يغما رفته است و با گسترش عدالت حضرت مهدي(عج) به آن‏ها بازگردانده شده و ربايندگان اين كرامت‏ها در پيشگاه محكمه عدالت، سخت مجازات مي‏شوند. بنابراين با اين باور، توهين‏ها، تهمت‏ها، محروم‏كردن‏ها، تحقير كردن‏ها و... از انسان رخت بر مي‏بندد و توجه بيشتري به ارزش واعتبار انسانها مي‌شود؛ زيرا دانسته مي‏شود قدرتي پرتوان‏تر در سايه عنايت الهي به فريادرسي اين انسان‌هاي دردكشيده خواهد شتافت و انتقام آنان را خواهد گرفت و بنابراين بر مبناي اجراي دستورات اسلام، حركت اصلاحي در كرامت دادن حقيقي به انسان‏ها صورت مي‏گيرد.

14ـ بيم و اميد

عصر دادورزي حضرت مهدي(عج) ، تهديد، تنگنا و ايام عسرت است براي طمع‌ورزان و دنياطلبان[39] و آسايش و آرامش و سامان‏يابي زندگي است براي مؤمنان و مستضعفان.[40] انسانها با اين باور در مرز بين خوف و رجا و بيم و اميد زندگي مي‏كنند و از يك‏سو عدالت‌ورزي حضرت را مهربانانه و نويدبخش و از ديگر سو، قاطعانه و سازش‌ناپذير مي‌دانند و تلاش مي‌نمايد اعمال خود را با اين دوگونه برخورد وفق دهد.

15ـ احساس شخصيت

مؤمنان نيك مي‏دانند كه مهدي آل محمد(عج) مي‏‏آيد و آنان را عزيز مي‏گرداند و دشمنانشان را خوار و ذليل مي‏كند[41] و با خلافت و عدالت راستين خود، حاكميت مؤمنان و مستضعفان را تضمين مي‏نمايد. [42] بنابراين بديهي است كه مؤمنان و فرودستان در برابر زورمندان احساس ذلت نمي‏كنند چرا كه خود را ميراث‏دار اصلي زمين دانسته و صاحبي براي خويش متصور هستند كه با فرمانروايي عادلانه و سلطنت قدرتمند خود ماية مباهات آنان است.

16ـ امر به معروف و نهي از منكر

امام باقر(عج) مي‌فرمايد: همانا امر به معروف و نهي از منكر راه انبيا و صالحان است و فريضه بزرگي است كه قوام ديگر فرايض به آن است و راه‏ها به وسيله آن امنيت مي‏يابد و درآمدها حلال مي‏شود و مظالم به صاحبانشان رد مي‏شود و زمين آباد مي‏شود و از دشمنان انتقام گرفته مي‏شود و امور سامان مي‏يابد.[43]

در جاي خود ثابت شده است كه اين فريضه‏ي بزرگ الهي، بستر و زمينه مناسب براي ظهور امام عصر و در نتيجه، تشكيل حكومت عدل محور را فراهم مي‏آورد.

بنابراين كسي كه به اين دادورزي عظيم و عصر شكوفايي استعدادهاي صلح و آشتي و برابري و مساوات باور دارد، تحت رهبري عقل و ايمان به انجام اين تكليف بزرگ الهي مي‏پردازد تا هرچه سريع‌تر بستر مناسب براي به كمال رسيدن انسان‏ها در اين دنيا و بازگردانده شدن حقوقشان فراهم شود و حضرتش ظهور كند و برابري و مساوات را حاكم گرداند.

ره‏آورد جامعه‏شناختي

1ـ تشكيل نهضت‏هاي عدالتخواه

عالم هستي نظام اسباب و مسببات است.

امام صادق(ع) مي‏فرمايد:

((‏ابي‏الله ان يجري الاشياء الاّ بالاسباب)).[44]

((‏خداوند اراده كرده است كه تمام اشياء تنها با اسبابش محقق شود)).

در جامعه آرماني عدالت‌محور اسلام نيز، اگرچه امدادهاي الهي و تأييدات غيبي بسيار مؤثر بوده و پشتوانه آن هستند، در تعاليم اسلام آمده است كه اجراي دقيق اين برنامه‏ بدون مسئوليت‌پذيري و تعهد و تكليف ياراني كارآمد و جامعه‏اي خروشان در جهت تحقق نهضت‌هاي عظيم آزادي‌بخش و عدالت‌خواه ميسر نيست.

بنابراين جامعه‏اي كه باور دارد و مي‏داند در آن عصر طلايي از دست ستم‏پيشگان و مستكبران رهايي يافته و تعاليم انبيا و اصول اساسي رسالت در آن حاكم مي‏گردد، بايد براي تحقق و زمينه‌سازي آن كوشا باشد. جامعه و مدينه فاضله عصر دولت حقه حضرت مهدي(عج) و عدل‌محوري او را هدف قرار داده و تلاش مي‌كند براي تسريع در رسيدن به هدف، اسباب و زمينه‌هاي آن تحول عظيم را با انقلابها و نهضت‌ها فراهم آورد و طبيعي است كه نمي‏تواند حكومت‏هاي جور و ظلم را تحمل نمايد و از اين‌رو به صورت نهضت‌هاي آزادي‏بخش، زمينه و بستر را براي عدالت كلي فراهم مي‌آورد.

2ـ احياي عدالت نسبي در جامعه

هر جامعه و نظامي براي رشد و تكامل در جهات مختلف، به دنبال الگويي مناسب است تا خود را با آن وفق دهد و به رشد و تعالي نسبي برسد. حال چنانچه جامعه‏اي محقق شدن اصول دادگري و رستگاري و سعادت و صعود و رفاه اقتصادي، اجتماعي، قضايي و... را در سلطنت مقتدرانه و عادلانه حضرت مهدي(عج) ببيند و به آن باور داشته باشد، آن را الگوي خود قرار داده و تلاش مي‏نمايد تا حد امكان آن آرمان‏ها ـ از جمله عدالت و دادورزي ـ را در خود به فعليت برساند و اگر نمي‏تواند همانند آن حكومت اصيل عدالت را جاري كند، لااقل يك عدالت نسبي را تحقق بخشد.

3ـ يكدلي و يكپارچگي

رمز اصلي پيروزي هر ملتي و سرازير شدن نعمت‏هاي آسماني يكدلي و يكپارچگي[45] انسانها برمبناي اسلام و دين‏داري است.

حضرت علي(ع) مي‏فرمايد:

شما ياوران حقيد و برادران در دين؛ سپرهاي روز گرفتاري و پيكار و رازداران در برابر افشاكنندگان اسرار.[46]

و امّا دوستي طالبان دنيا و بي‏دينان زوال‌پذير و بي‏نتيجه است و هيچ بنائي ندارد.[47]

روشن است كه باور به دادورزي در آخرالزمان از مصاديق دين‏داري به شمار مي‏آيد و

مي‏تواند مبنا و ملاكي براي اتحاد باشد و اگر جامعه‏اي، همگي به اين امر بزرگ الهي باور داشته باشند، با توجه به هدف و دغدغه مشترك، نوعي يكدلي و يكپارچگي در تحقق آرمان و كمالي واحد براي آن‏ها شكل مي‏گيرد و وقتي هدف واحد شود، راهها، اسباب و... براي رسيدن به آن هدف نيز يكي مي‌شود.

4ـ تابيدن انوار الهي و بركات آسماني از آينه باور به عدالت مهدوي در جامعه

((ولو ان اهل القري آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والأرض...(([48].

و اگر اهل تقوي ايمان بياورند و پرهيزكار باشند، بركات آسمان و زمين را بر آن‏ها مي‌گشاييم... .

ترديدي نيست كه پرهيزكاري تنها به انجام دادن فرايض و ترك نواهي نيست؛ بلكه شخص پرهيزكار بايستي به اصول مسلمه مذهب و دين نيز معتقد بوده و با فكر و انديشه و استدلال به اصول اعتقادي ـ كه از جانب خداوند به واسطه پيامبران رسيده است ـ نيز باور داشته باشد.

عدالت‏باوري حضرت مهدي(عج) نيز از جمله اصول مسلمه بوده از مصاديق تقوا و پارسايي به شمار مي‏آيد و اگر جامعه‏اي آن را بپذيرد و در مرحله عمل نيز به كار برد، در واقع تقواي الهي را پيشه كرده است و سنت خداوند بر آن است كه بركات آسماني خود را بر آن جامعه بباراند و آن جامعه با تابيدن انوار الهي، به مدينه فاضله مبدل گشته و باب رحمت و نعمت‏هاي خداوند بر روي آن‏ها گشوده مي‌شود.

5ـ تقريب بين اديان الهي و مذاهب اسلامي

گفته شد مسأله عدالت‏باوري، مشترك بين اديان است و هر امر مشتركي بين گروه‏هاي مختلف باعث كم‏كردن فاصله‏ها شده و آن‏ها را به هم نزديك مي‏گرداند؛ بنابراين چنان‏چه جامعه‏اي كه در آن اديان مختلفي زندگي مي‏كنند همگي به اين مسأله باور داشته باشند، در اين امر وحدت رويه داشته و با هم نزديك بوده و نوعي اتحاد بين آن‏ها در مقابله با طاغيان و ظالمان و فرعونيان ايجاد مي‏شود.

6ـ بيداري انديشه‏ها و به‌دست آوردن راه نجات از ظلم و استبداد

انديشمندان و شيفتگان اسلام ناب، با استناد به كتاب و سنت، انتهايي روشن و فرجامي همراه با تابش پرتو عدالت الهي در جهان تصور مي‏كنند و اين تصور را در ميان ساير اقشار جامعه مي‏نمايانند تا ديگر انديشه‏ها نيز بيدار گشته و همراه با هم و با هم‏فكري، تركيبي يكپارچه تشكيل داده و جهت پيكار همگاني براي ريشه‏كني فسادها، تبعيض‏ها، ناعدالتي‏ها و... در جامعه، راه‏هاي روشني بيابند و آن را در ظرف عمل قرار دهند.

بنابراين چنين باوري سبب مي‌گردد نه تنها انديشمندان اسلامي بلكه ديگر مردمان نيز در انتظار چنين واقعه‌اي عظيم، همواره بيدار و آگاه و مترصد بوده، به دنبال پيدا نمودن و تهيه و تدارك راههاي مناسب در سرعت بخشيدن به آن باشند.

------------------

پي نوشت ها

[1]. مجلسي، بحارالانوار، بيروت، نشر الوفاء، ج 52 ، ص 290.

[2]. كليني، الكافي، تحقيق علي‌اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ج 1، ص 397.

[3]. سفينة‏البحار، ج 2، ص 166.

[4]. شهيد مطهري، سيري در ائمه اطهار، قم، انتشارات صدرا، ص 259.

[5] . همان ص 365.

[6] . اعمال رسولان، ج 5، ص 31.

[7] . ويليام گلن و هنري ركن، عهد عتيق و جديد، ترجمه فاضل خادم همداني، تهران، انتشارات اساطير، ص 1220.

[8] . داود الهامي، او خواهد آمد، قم، نشر مرتضي، ص 68.

[9] . مجله هفت آسمان، شماره 12 و 13، مقاله گونه شناسي موعود در اديان مختلف ص 116.

[10] . سيد ثامرالعميدي، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدي علي‏زاده، قم، موسسه امام خميني، ص 46. (به نقل از تاريخ ابن خلدون)

[11] . بحارالانوار، ج 23، ص 89.

[12] . صافي گلپايگاني، امامت و مهدويت، قم، انتشارات حضرت معصومه، ج 1، بخش سوم، ص 62.

[13] . موسوي اصهاني، مكيال‌المكارم، قم، انتشارات ايران نگين، ج 2، ص 185.

[14]. همان.

[15] . سوره الشوري، آيه 23.

[16] . مكيال المكارم، ج 2، ص 217.

[17] . همان. ج 1، صص 94 و 53.

[18] . امام صادق(ع): ((‏والله لانا ارحم بكم منكم بانفسكم)) (مسعود پورسيدآقايي، ميرمهر، قم، انتشارات حضور، 1382، ص 167) .

[19] . پيامبر اكرم: ((‏به (المهدي) يخرج الذل من اعناقكم...)). (بحار، ج 51، ص 57.)

[20]. دعاي ندبه؛ زيارت ناحيه مقدسه؛ دعاي صباح و...

[21] . ميرمهر، ص 168.

[22] . امامت و مهدويت، ج 2، بخش سوم، ص 7.

[23] . در انتظار ققنوس، ص 273.

[24] . ?و نريد ان نمن علي‏ الذين استضعفوا في‏الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين?. [قصص، 5].

[25]. امام صادق(ع): ((‏كان رسول‌اللّه يقسم لحظاته بين اصحابه، فلينظر الي ذا و ينظر الي ذا بالسّوية)). (الكافي، ج 2، ص 671(.

[26] . مكيال المكارم، ج 1، ص 169.

[27] . سليمان بن ابراهيم، ينابيع‏المودة، ترجمه سيد مرتضي توسليان، انتشارات بوذرجمهري، ج 2، ص 499.

[28] . غدير كارآمد كرماني، ايمان، تهران، انتشارات گوهر منظوم، 1381، صص 4ـ133.

[29] . بحارالانوار، ج 51، ص 133.

[30] . بقره، 2 و 3.

[31] . مكيال المكارم (به نقل از كمال‏الدين، ج 2، ص 671).

[32] . همان.

[33] . همان، ج 1، ص 425.

[34] . همان، ص 424.

[35] . همان، ص 419 (به نقل از احتجاج ج 2 ص 284).

[36] . همان ص 474.

[37] . بحارالانوار، ج 52، ص 328.

[38] . امام صادق(ع): ((‏والله حق مومن از كعبه بزرگتر است)). (بحار الانوار، ج 74 ، ص 222(.

[39] . بحارالانوار، ج 51، ص 120.

[40] . محمد حكيمي، عصر زندگي، قم، بوستان كتاب، ص 268، (به نقل از تحف‏العقول، ص 324.)

[41] . امام علي(ع): ((‏يبعث الله مهديّهم بعد جهدهم فيعزّهم و يذلّ عدوّهم)). )بحارالانوار، ج 51، ص 54(.

[42] . مكيال المكارم، ج 1، ص 158.

[43] . الكافي، ج 5، ص 56.

[44] . همان، ج 1، ص 183.

[45] .((واعتصموا بحبل الله جميعاً ولاتفرقوا.)) ]آل عمران، 103[

[46] . نهج‏البلاغه، خطبه 117.

[47] . حضرت علي(ع) مي‏فرمايد: ((‏دوستي اهل دنيا به كم‌ترين مسأله‏اي از بين مي‏رود)). (ولي الله برزگر، جامعه از ديدگاه

نهج‏البلاغه، سازمان تبليغات ص 155، به نقل از غررالحكم فصل اول، ص 76).

[48] . اعراف، 96.